

وضعیت‌سنجی اقتصادی نظام جمهوری اسلامی در آغاز دهه چهارم انقلاب: قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها

صادق سلیمی‌بنی*

چکیده

از آنجا که، یکی از اساسی‌ترین کارویژه حکومت‌ها، در قلمرو اقتصادی تبلور می‌یابد و همچنین مسائل و موضوعات اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با رفاه، معیشت، رضایت‌مندی شهروندان و عدم آن نیز با مقبولیت نظام گره خورده است. مقاله حاضر در صدد است تا قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و فرصت‌ها و تهدیدات خارجی در حوزه مسائل اقتصادی مرتبط با سرنوشت جمهوری اسلامی را در سال‌های آغازین دهه چهارم انقلاب مورد کنکاش، شناسایی و در اختیار مسئولان، سیاست‌مداران، تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، مدیران عالی اقتصادی و جامعه علمی کشور قرار دهد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی، قوت، ضعف، فرصت و تهدید، اقتصاد.

مقدمه

به استعدادها، قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های گوناگون درونی یک نظام سیاسی که با بهره‌گیری از آنها می‌توان در عرصه‌های مختلف به اهداف مورد نظر دست یافت، «نقاط قوت» گفته می‌شود.

*. استادیار مرکز مطالعات علوم سیاسی پژوهشگاه اسلامی امام صادق علیه السلام.

dr.salimibeni@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ???

تاریخ دریافت: ???

اگر نوع استعدادها، ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های درونی از جنس اقتصادی باشد و هدف مورد نظر نیز در عرصه اقتصادی نشانه‌گیری شده باشد آن نقطه قوت از نوع اقتصادی به شمار می‌رود. به همین صورت در زمینه‌ها و عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دفاعی - امنیتی نیز نقاط قوت مورد نظر موضوعیت می‌یابد.

در مقابل به عوامل، پدیده‌ها، موقعیت‌ها و شرایط گوناگون داخلی که زمینه‌ساز تحمل خسارت، فریب و حتی شکست یک نظام سیاسی می‌گردد نیز نقاط ضعف می‌گویند. نقاط ضعف همانند نقاط قوت می‌تواند در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دفاعی - امنیتی و مانند آن پدیدار گردد. قوت‌ها و ضعف‌ها در هر نظام سیاسی، جنبه درونی دارد و عرصه عمل آن در قلمرو داخلی آن کشور است. بنابراین، میزان تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت و افزایش دامنه قوت‌ها و کاهش میزان ضعف‌های یک نظام سیاسی، نقش بسزایی در تعیین معدل هنرمندی سیاستمداران و هیئت حاکمه کشورها دارد. با این وجود، امکان بهره‌برداری به موقع و صحیح از شرایط و تحولات مختلف پیش آمده در عرصه خارجی به وسیله تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی نظام‌های سیاسی، «فرصت» نامیده می‌شود. بهره‌گیری از این فرصت‌ها به منظور تحکیم علایق، اهداف، منافع و امنیت ملی صورت می‌گیرد و بر اساس جهت‌گیری و سمت و سوی آن، به اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی - امنیتی تقسیم می‌شود.

علاوه بر این، به مقاصد، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات گوناگون رقبا و دشمنان در عرصه خارجی که به منظور ممانعت از موفقیت و یا ایجاد مخاطره در دستیابی به علایق، مقاصد، منافع بنیادین و امنیت ملی یک کشور اعمال می‌شود «تهدید» می‌گویند. گوناگونی تهدیدات متوجه یک نظام سیاسی، در عرصه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی - امنیتی جلوه‌گر می‌شود. استفاده نکردن حاکمان هر کشور از فرصت‌های پیش آمده (فرصت‌سوزی)، در اختیار دادن فرصت جدیدی به رقبا و دشمنان و نیز شکل دادن تهدید تازه‌ای علیه خود می‌باشد. بر این اساس، هنر دولت‌مردان هر کشوری در تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها و بهره‌برداری بهینه از آنهاست. با این فرض، قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات اقتصادی فراروی نظام برآمده از انقلاب اسلامی در ابتدای دهه چهارم از عمر آن، در این مقاله استخراج و تبیین می‌گردد. قوت‌ها و ضعف‌ها از عوامل درونی و فرصت‌ها و تهدیدات از عوامل خارجی و فراملی متأثر هستند.

نقاط قوت اقتصادی

جمهوری اسلامی از استعداد، قابلیت و ظرفیت‌های متعددی در حوزه مسائل اقتصاد داخلی برخوردار است

که هر کدام از آنها به نوبه خود، یک نقطه قوت برای اقتصاد کشور به شمار می‌آید. مهم‌ترین قوت‌های درونی اقتصاد ایران امروز، در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. قانون‌مندی اشکال مختلف مالکیت

از یک منظر، مالکیت اقتصادی به سه نوع متفاوت از هم قابل تقسیم است. در برخی از کشورها مالکیت خرد و کلان اقتصادی تماماً در اختیار دولت بوده و هیچ نوع دیگری از مالکیت به رسمیت شناخته نمی‌شود. این نوع مالکیت به مالکیت دولتی معروف و سیستم اقتصادی مبتنی بر آن تمرکزگرا و دولت‌سالار نامیده می‌شود. در مقابل، در تعدادی از کشورها صرفاً مالکیت افراد و شهروندان رسمیت دارد و سایر اشکال مالکیت حتی نوع دولتی آن متداول نیست. این نوع مالکیت خصوصی و سیستم اقتصادی مبتنی بر آن سرمایه‌داری و سرمایه‌سالار نامیده می‌شود.

آخرین نوع مالکیت اقتصادی با معاونت و مشارکت تعدادی از شهروندان با همدیگر با کمک مالی و تسهیلات دولتی، به عنوان مالکیت تعاونی شکل می‌گیرد.

به رسمیت شناختن هر کدام از انواع مالکیت به تنهایی از نقایص و معایبی برخوردار است. در اقتصاد کشورهای مبتنی بر سیستم دولت‌سالار، به دلیل فقدان نظم اجتماعی در مالکیت دولتی، افراد جامعه انگیزه کافی برای کار و تولید بیشتر و کیفی‌تر ندارند و به دنبال آن، این نوع اقتصاد فاقد تحرک، پویایی و دوام مورد انتظار است. فروپاشی سیستم مالکیت دولتی و اقتصاد سوسیالیستی شوروی سابق، گواه صادقی بر این مدعا است.

در مالکیت خصوصی صرف و اقتصاد سرمایه‌داری، به رغم آنکه غریزه و کشش درونی و تعلقات شخصی بر آورده می‌شود و افراد جامعه، انگیزه کافی برای کار و تولید بیشتر دارند، به دلیل حاکمیت رقابت غیر اخلاقی مادی‌گرایانه و انباشت سرمایه در دست معدودی از شهروندان و فراهم نبودن فرصت‌های مساوی، سرانجام فاصله طبقاتی و شکاف عمیق اقتصادی در جامعه پدیدار می‌شود. سومین نوع مالکیت با وجود آنکه فاقد ضعف چشمگیر و اساسی است اما اصولاً به تنهایی قابلیت امکان وقوع نخواهد داشت مگر آنکه همراه یکی از آن دو باشد.

با این وصف، طبق اصل چهل و چهارم قانون اساسی ج.ا.ا، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

به رسمیت شناختن هر سه نوع مالکیت در سیستم اقتصادی کشور در قانون اساسی یکی از نقاط قوت اقتصادی جمهوری اسلامی است که از هرگونه انحصارطلبی در حوزه فعالیت‌های اقتصادی جلوگیری می‌کند. آنچه قوت به رسمیت شناختن انواع مالکیت در قانون اساسی را غنا بخشیده،

مبتنی بودن سیستم اقتصادی کشور بر آموزه‌های دینی و اقتصاد اسلامی است؛ (میرمعزی، ۱۳۸۹) زیرا مالکیت در این سه بخش (دولتی، خصوصی و تعاونی) تا جایی که از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد، مورد حمایت قانون در جمهوری اسلامی است. (قانون اساسی ج.۱، اصل ۴۴)

۲. منابع و ذخایر زیرزمینی

امروزه برای به حرکت در آوردن چرخه اقتصادی و صنعتی کشورها، در اختیار داشتن منابع و ذخایر زیرزمینی مختلف به خصوص نفت، گاز و اورانیوم نقش حیاتی و تضمین کننده دارد. کشور ایران در برخورداری از منابع انرژی، معادن و ذخایر طبیعی در ردیف کشورهای غنی قرار دارد که در ادامه در دو قسمت نفت و گاز و سایر منابع طبیعی مورد اشاره قرار می‌گیرد:

یک. نفت و گاز

جمهوری اسلامی ایران یکی از برخوردارترین کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز در سطح منطقه و جهان است؛ چنان که به اعتقاد کارشناسان، کمتر میدان نفتی در دنیا یافت می‌شود که از حیث وفور، سهولت استخراج و پایین بودن هزینه استخراج با میدان‌های نفتی ایران برابری کند. بدین ترتیب، ایران از جایگاه بالایی در زمینه انرژی در اقتصاد بین‌الملل برخوردار است. با وجود متغیر و در نوسان بودن آمارهای اعلام شده ذخایر نفت و گاز از سوی کشورهای جهان پس از اکتشافات جدید، جمهوری اسلامی با در اختیار داشتن حدود ۹۲/۹ میلیارد بشکه معادل ۱۰/۴ درصد از کل سهم جهانی، ۱۷ درصد از ذخایر نفتی منطقه خلیج فارس را در کنار کشورهایی چون عربستان سعودی، کویت و عراق که به ترتیب ۱۸/۶، ۱۰/۳ و ۱۱/۲ درصد از سهم جهانی برخوردار هستند، به خود اختصاص داده است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۲: ۵۵ - ۵۳)

با کشف نفت دریای خزر، ایران نیز که یکی از کشورهای ساحلی این دریا و در زمره مالکین منافع نفتی آن است و از موقعیت ژئوپلیتیکی و اهمیت اقتصادی ویژه‌ای برخوردار شده است. از نظر میزان ذخایر گاز طبیعی نیز، ایران با برخورداری از ۳۲ تریلیون متر مکعب هیدروکربن گازی، ۱۵ درصد از ذخایر گاز جهان و بیش از ۴۵ درصد از گاز کشورهای منطقه خلیج فارس را در اختیار دارد که در مقیاس جهانی، پس از روسیه در رتبه دوم قرار گرفته است. (وزارت نفت، ۱۳۷۵/۹/۲۴)

در هر حال اهمیت و جایگاه والای نفت و گاز در اقتصاد صنعتی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و برخورداری ایران از منابع غنی آن، یک نقطه قوت اقتصادی برای نظام جمهوری اسلامی به حساب می‌آید.

دو. سایر منابع طبیعی

علاوه بر نفت و گاز، معادن دیگری نیز در ایران وجود دارد که تعدادی از آنها قابل استفاده و در حال استخراج و بهره‌برداری هستند. از جمله این ذخایر، می‌توان به سنگ آهن، مس، سرب، روی، آنتیمون، منگنز و طلا اشاره کرد. علاوه بر اینها اورانیوم، خاک، گوگرد، گچ، آهک و سنگ‌های قیمتی را نیز باید در زمره منابع طبیعی ایران ذکر نمود. برخورداری ایران از چنین معادن سرشاری، به عنوان یک نقطه قوت اقتصادی برای آن به حساب می‌آید.

۳. سایر قوت‌های اقتصادی

علاوه بر ویژگی‌های اقتصادی مثبتی که پیش از این به آنها اشاره شد، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران از جنبه‌های مثبت دیگری نیز برخوردار است که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۳ - ۱. رشد نسبی زیرساخت‌های اقتصادی کشور همانند نیروگاه‌های برق، سدهای آب، مخابرات، جاده‌سازی، راه و راه آهن، پست و ...؛

۳ - ۲. توانمندی تولید اغلب نیازهای صنعتی، کشاورزی، خدماتی و دامداری در داخل؛

۳ - ۳. برخورداری کلان شهرها و اغلب شهرها و روستاها از مواهب خدماتی مانند برق، آب، گاز و تلفن؛

۳ - ۴. افزایش نسبی سرمایه و نیروی ماهر؛

۳ - ۵. وجود نهادهای اقتصادی غیر دولتی نظیر بازار بورس و اوراق بهادار با هدف سوق دادن سرمایه‌ها در راستای تولید. (نصری، ۱۳۸۸: ۱۸۲ - ۱۶۵)

نقاط ضعف اقتصادی

با وجود قوت‌های اقتصادی پیش‌گفته، اقتصاد ایران از نقاط ضعف اقتصادی جدی رنج می‌برد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. اقتصاد تک‌محصولی

استقلال و آزادی واقعی جامعه‌ای که اقتصاد آن به طور عمده وابسته به صادرات و فروش یک ماده معدنی و به طور کلی تک‌محصولی به بازارهای جهانی باشد، در معرض مخاطره دائمی قرار دارد؛ زیرا با تغییر درآمد حاصل و یا حذف این محصول، شیرازه روابط اقتصاد داخلی از هم پاشیده می‌شود و بحران‌های اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد. (ساعی، ۱۳۸۴: ۱۷۱)

کشور ما بخشی از این واقعیت تلخ را در بعضی سال‌ها به هنگام کاهش قیمت نفت تجربه کرده است.

گزارش‌های مقامات مسئول به وضوح نشان می‌دهد که بیش از ۸۵ درصد از درآمدهای ارزی کشور به صادرات نفت متکی است و نفت در مقیاس اقتصاد کلان کشور تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر توازن بودجه عمومی دارد. طی ۲۰ سال گذشته به طور متوسط ۵۴ درصد از درآمدهای بودجه را درآمدهای حاصل از صادرات نفت تأمین کرده است و از کل ارزش صادرات ایران از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹ به مبلغ ۳۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، ۲۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار آن، صادرات نفت خام بود که سند زنده وابستگی کامل اقتصاد و سیاست‌های ایران را به نفت نشان می‌دهد. تک محصولی بودن اقتصاد بنا بر دلایل زیر در زمره نقاط ضعف اقتصادی قرار می‌گیرد:

۱. وابستگی به یک محصول سبب می‌شود که تحریم خرید آن محصول به عاملی برای فشار از سوی رقبا و دشمنان تبدیل شود؛
۲. تولید یک یا دو محصول سبب می‌شود تا نیازمندی‌های داخلی به سایر کالاها و محصولات از طریق واردات تأمین شود که در این صورت کالاهای وارداتی در حکم اهرم فشار دشمن عمل خواهد کرد؛
۳. فقدان تولیدات متنوع در سیستم اقتصاد تک محصولی، عقب‌ماندگی زنجیره‌ای در سایر بخش‌ها را مانند صنعت، کشاورزی و خدمات به دنبال خواهد آورد. (روزنامه بهار، ۷/۵/۸؛ روزنامه آبادی، ۲۲/۵/۸۱؛ روزنامه همشهری، ۱۹/۶/۸۱؛ روزنامه کار و کارگر، ۱۴/۷/۸۱؛ روزنامه توسعه، ۳/۱۰/۸۱)

۲. بیکاری

اشتغال یکی از متغیرهای اساسی در اقتصاد کلان کشورهاست. رونق اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی یکی از اهداف و وظایف دولت‌ها به شمار می‌رود. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، مسئله بیکاری به تهدیدی جدی تبدیل شده و عواملی نظیر افزایش سریع جمعیت، به کارگیری عجولانه فنون سرمایه‌بر به جای تکنولوژی کاربر، کمبود سرمایه و کاهش سرمایه‌گذاری در ایجاد مشاغل جدید و هجوم روستائیان به شهرها، حضور نیروی کار ارزان قیمت خارجی، در زمره مهم‌ترین عوامل بیکاری‌اند. بیکاری از آن جهت نقطه ضعف اقتصادی برای نظام جمهوری اسلامی به حساب می‌آید که خود منشأ بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، نظیر فقر، فساد، قاچاق مواد مخدر، اعتیاد، سرقت و قتل می‌شود و با تشدید این آسیب‌ها، در بلندمدت ضریب امنیت کاهش یافته، نظام ناکارآمد جلوه کرده و در چنین شرایطی بیگانگان به خود اجازه هرگونه مداخله‌ای را خواهند داد. در ابتدای دهه چهارم انقلاب جمهوری اسلامی، به طور رسمی حداقل دو میلیون نیروی کار خارجی وجود دارد و در همین حال، برخی آمارها حکایت از وجود ۱/۵ تا ۳ میلیون نفر بیکار در کشور دارد. گرچه برخی مدعی‌اند که آمار واقعی بیش از این است. (رضویان، ۱۳۸۳: ۳۴)

به طور متوسط در ایران سالانه ۷۵۰ هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند. اگر این رقم را ثابت فرض کنیم هر ده سال یک بار ۷/۵ میلیون نفر، معادل پنجاه درصد شاغلان کشور بیکار خواهیم داشت. گرچه این رقم در عمل ثابت نبوده و هر سال بیشتر شده است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۱/۱/۲۱)

آنچه بحران بیکاری را در پایان دهه سوم انقلاب در ایران امروز بغرنج‌تر نموده افزایش میزان بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها است که از ۴/۳۷ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۸/۸۴ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. (روزنامه ابرار اقتصادی، ۸۱/۷/۲۷)

۳. تورم

از دیگر معضلات اقتصادی که اکثر مردم ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، گرانی و تورم فزاینده ناشی از افزایش قیمت‌ها از یک سو و پایین بودن سطح درآمد مردم از دیگر سو است. افکار عمومی همواره از تورم و گرانی، ذهنیت و ارزیابی منفی دارد. اغلب شهروندان ایرانی بر این باورند که سطوح مختلف دست‌اندرکاران حکومتی اعم از قانون‌گذاران، مجریان و حتی ناظران، سیاست اقتصادی و رفاهی مناسبی را دنبال نمی‌کنند و تورم و گرانی ارمغان برنامه‌ها و سیاست‌های نادرست حکومت است. در واقع، آنجا که سیاست‌های دولت‌ها بار تورمی را به همراه می‌آورد، افکار عمومی این گونه قضاوت می‌کند که در بخشی از راهبردهای اقتصادی دولت، خطا و ضعف و یا سوء مدیریت وجود دارد که باعث و عامل ایجاد حجم افسار گسیخته‌ای از تورم تحمیلی بر مردم می‌شود. طی سال‌های دهه اول انقلاب به خصوص در زمان جنگ، آثار تورم و گرانی آشکار بر زندگی رفاهی مردم، نمود برجسته‌ای نداشت. در سال‌های پس از جنگ به صورت قانون‌مند و طرح ریزی شده، توسعه اقتصادی در قالب برنامه‌های ۵ ساله در دستور کار مسئولان نظام قرار گرفت. (متانی، ۱۳۸۶؛ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۰) با این وجود، بر خلاف انتظار هر روز بیش از پیش تورم، نابرابری و تبعیض و فاصله طبقاتی و شکاف اجتماعی در کشور نمایان شد؛ تا حدی که در سال ۱۳۸۲ که از سوی مقام معظم رهبری به سال نهضت خدمت‌رسانی به مردم نام‌گذاری شده بود، با کارشکنی برخی عوامل اجرایی قیمت کالا و خدمات به طور لجام گسیخته‌ای سیر صعودی یافت.

به عنوان نمونه قیمت مسکن ۳۰ درصد، گوشت ۳۵ درصد، بنزین ۳۰ درصد، برق خانگی ۲۵ درصد و بلیت قطار تا ۵۵ درصد افزایش یافت، در حالی که متوسط حقوق کارمندان دولت ۲۵ درصد اضافه شد. این افزایش قیمت‌ها که خلاف برنامه سوم و بالاتر از حد مصوب آن صورت گرفت سبب نارضایتی عمومی گردید و با توجه به تحولات منطقه به طور قطع می‌توانست تبعات امنیتی نیز

داشته باشد؛ چنان‌که در جریان اغتشاشات سال ۸۲ در برخی شهرهای کشور معترضان در خصوص گرانی‌های افسار گسیخته هشدارهای تندی دادند.

در افزایش سازمان یافته تورم و گرانی‌های این سال، رفتار بخش دولتی و قوه مجریه تأمل برانگیز بود؛ زیرا رئیس‌جمهور محترم آقای خاتمی با وجود آنکه دستور تشکیل ستادی را به منظور کنترل قیمت‌ها صادر کرد، با تأیید ضمنی اصل وجود گرانی‌ها اظهار داشت: «در این مورد جوسازی‌هایی شده و آن طور که ادعا می‌شود نیست». (روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۳/۲۶)

وزیر بازرگانی وی نیز که مسئولیت تنظیم بازار و نظارت بر قیمت‌ها را عهده‌دار بود، در اظهاراتی اعلام کرد: «بزرگ‌نمایی و نوعی تحرک تبلیغاتی علیه سیاست‌های اقتصادی دولت صورت گرفته است». (روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۳/۲۶)

در همین هنگام مقام معظم رهبری در عکس‌العملی فرمودند:

با توجه به اینکه شرایط اقتصادی مردم اقتضا نمی‌کند، سعی کنید قیمت‌ها به حال اول برگردد. (روزنامه فرهنگ آشتی، ۱۳۸۲/۳/۲۷)

در هر صورت، گرانی و تورم به طور کلی محکوم و مذموم و نقطه ضعف جدی اقتصاد ایران است که نشان می‌دهد دست‌اندرکاران حکومتی تا چه اندازه اقتصاد کشور را بد مدیریت می‌کنند. (روزنامه فرهنگ آشتی، ۱۳۸۲/۳/۲۷)

۴. معیشت و رفاه نامطلوب

به طور کلی فقر هنگامی در یک جامعه آشکار می‌شود که فرد یا افرادی، از سطح رفاه معینی که طبق معیارهای آن جامعه حداقل معقول و مطلوب تلقی می‌شود، برخوردار نباشند. بدین ترتیب ممکن است فقر در یک کشور در حال توسعه، محرومیت از امکاناتی تلقی شود که صرفاً برای حیات ضرورت دارد، در حالی که این پدیده در یک کشور پیشرفته به معنای محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متداول خاص آن کشور باشد. خط فقر در هر دوره‌ای متناسب با پیشرفت‌های جهانی تعریف خاصی پیدا می‌کند. جهان روبه رشد و توسعه است و امروزه کسی که سر پناهی برای زندگی آرام، کالری و تنوع غذایی لازم برای بدن، اوقات فراغت کافی و مناسب، میزانی از تحصیلات دانشگاهی، امکانات درمانی به موقع و رایگان نداشته باشد، زیر خط فقر محسوب می‌شود. (روزنامه کار و کارگر، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰؛ روزنامه ابرار اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۶؛ ماهنامه گزارش، دی و بهمن ۱۳۷۹؛ شماره ۱۱۹)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تمامی موارد بالا پیش‌بینی و تأمین این حداقل‌ها برای

آحاد جامعه بر عهده دولت و حکومت گذاشته شده است. امروزه عموم مردم ایران با وجود تلاش و تکاپوی خود از نظر رفاهی و معیشتی، از حداقل‌های لازم مندرج در معیار خط فقر برخوردار نیستند. شاید بخشی از این تلاش‌های بی‌وقفه به دلیل زیاده‌خواهی باشد اما عمده آن برای پر کردن خلأهایی است که می‌بایست پیش از اینها توسط دولت مردان جامعه پر می‌شد. وظیفه دولت است که با برنامه‌ریزی درست، تعدیل شرایط اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت و امکانات، شرایطی فراهم آورد که مردم بتوانند با تلاش خود به هدف برسند و احساس شکست و ناتوانی نکنند.

یکی از مشکلات معیشتی بخشی از مردم ایران، فقر مطلق یا فقر معیشتی است که سبب بروز سوء تغذیه در برخی اقشار کم درآمد جامعه می‌شود. بر اساس بررسی‌های انجام شده در نیمه دوم سال ۱۳۷۹، ۵/۴ تا ۲۸/۲ درصد کودکان زیر ۵ سال کشور سوء تغذیه دارند و بین ۶/۵ تا ۳۴/۱ درصد کودکان از مشکل کم‌وزنی رنج می‌برند و با نهایت تأسف ۸/۲ تا ۴۳/۱ درصد کودکان هیچ‌گاه فرصت دستیابی به توانایی‌های جسمی و گنجایش ذهنی مناسب را نخواهند یافت. علاوه بر این، ۱۳/۵۳ درصد زنان و دختران، ۱۲ تا ۱۳ درصد کودکان و ۸ درصد مردان ایران دچار کم‌خونی‌اند. (روزنامه رسالت، ۱۳۷۹/۸/۲۱)

این در حالی است که در کشور ما ۱۰ درصد ثروتمندترین اقشار درآمدی، حدود ۳۰ درصد از کل مصرف جامعه را به خود اختصاص می‌دهند و حدود ۱/۵ درصد کل مصرف جامعه متعلق به ۱۰ درصد فقیرترین اقشار درآمدی است. در واقع ۱۰ درصد از مردم، حدود ۲۰ برابر فقیرترین خانوارها مصرف می‌کنند. (ماهنامه گزارش، دی و بهمن ۷۹)

۵. مفاسد اقتصادی و رانت‌خواری

عوامل متعددی در بروز و گسترش مفاسد اقتصادی و رانت‌خواری مؤثرند. (گلدتورپ، ۱۳۷۳: ۱۴۳) این عوامل برخی تأثیر مستقیم در پیدایش مفاسد اقتصادی دارند؛ برخی نیز به طور غیر مستقیم منجر به بروز این پدیده شوم اجتماعی می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. ساختار اقتصاد دولتی؛
۲. عملکرد غلط در خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی؛
۳. رواج فرهنگ مصرفی و تجمل‌گرایی میان مسئولان؛
۴. ضعف نظارت؛
۵. ساختار اداری معیوب؛
۶. پایین بودن حقوق و مزایای کارکنان دولتی؛
۷. عوامل حقوقی و قضایی. (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۲۹۰)

در اینجا به سه مورد از مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود:

۱. ساختار اقتصاد دولتی: بیش از ۸۰ درصد فعالیت‌های اقتصادی و مبادلات تجاری توسط دولت انجام می‌گیرد. روشن است که این حجم بزرگ تصدی‌گری امور توسط دولت زمینه‌ساز سایر عوامل (مانند ساختار اداری معیوب، پایین بودن حقوق و مزایای کارکنان دولتی و ...) شده و باعث سوء استفاده‌های اقتصادی کلان گردیده است. (رزاقی، ۱۳۷۵: ۱۱۷)
۲. عملکرد غلط در خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی: این عامل نه تنها منجر به کارآمدی این شرکت‌ها نشد بلکه این فرایند به گونه‌ای بود که خود موجب بروز مفاسد اقتصادی بیشتر گردید. خصوصی‌سازی‌ها به اختصاصی و شخصی‌سازی تبدیل شده و بعضاً شرکت‌های دولتی به بهای ناچیز به مدیران دولتی داده می‌شد. همچنین عدم کنترل بودجه و عملکرد مالی این شرکت‌ها و اختیارات نامحدود مدیران از دیگر عوامل گسترش فساد در این شرکت‌ها می‌باشد.
۳. ضعف نظارت: در ایران دستگاه‌های نظارتی از کارآمدی مطلوب برخوردار نیستند، اولاً دستگاه‌های نظارتی در قوای سه‌گانه پراکنده و غیر منسجم هستند و بین قوای سه‌گانه هماهنگی و همکاری صمیمانه و متقابلی نیست. ثانیاً اغلب مواقع، ضمانت اجرایی لازم برای گزارش‌های بازرسی و نظارت وجود ندارد. (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۰۰)

۶. سایر ضعف‌های اقتصادی

- علاوه بر آسیب‌ها و ضعف‌هایی که تاکنون مورد بررسی و اشاره قرار گرفت، در حال حاضر نظام جمهوری اسلامی ایران از نظر اقتصادی از برخی معضلات اقتصادی دیگری نیز رنج می‌برد که برای رعایت اختصار رئوس کلی آن را در زیر به ترتیب اولویت بر می‌شماریم:
۱. ضعف و نقص در قوانین تجاری، اقتصادی، تولیدی و بازرگانی؛
 ۲. غیر واقعی بودن برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی و منطبق نبودن آن با نیازهای مردم؛
 ۳. ضعف و ناکارآمدی و به روز نبودن سیستم بودجه‌نویسی کشور؛
 ۴. فقدان امنیت سرمایه‌گذاری و تولید (داخلی و خارجی)؛
 ۵. عدم تناسب میان بخش‌های مختلف اقتصادی و حاکمیت انحصاری دولت در عرصه‌های مختلف؛
 ۶. ضعف مدیریت اقتصادی؛
 ۷. تکیه غیرمتخصصان بر پست‌های کلیدی تخصصی اقتصادی؛
 ۸. صحنه‌گردانی تکنوکرات‌ها و نقش‌آفرینی متخصصان غیر متعهد؛
 ۹. کندی پیشرفت فیزیکی در پروژه‌های نیمه تمام؛

۱۰. کاهش ارزش پول ملی؛

۱۱. پول‌شویی؛

۱۲. ضعف و ناکارآمدی سیستم بانکی در ارائه خدمات مطلوب به شهروندان؛

۱۳. عدم تناسب میان سبد درآمدها و هزینه‌ها.

فرصت‌های اقتصادی

پیش از این به مهم‌ترین ابعاد و نقاط قوت و ضعف درونی اقتصاد ایران با نگرشی آسیب‌شناسانه و واقع‌بینانه اشاره شد. در این قسمت، مهم‌ترین فرصت‌های خارجی مرتبط با اقتصاد کشور مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. جاذبه‌های سرمایه‌گذاری خارجی

سالیانه حدود ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی به همراه یک تریلیون دلار گردش نقدینگی در میان کشورهای جهان برای تأمین نیازهای متقابل ملت‌ها و دولت‌ها و عرضه کالا و خدمات در جریان است.

کشورهایی که در جذب سهم مطلوب خود از بازار سرمایه موفق بوده و نیز مدیریت علمی و صحیح را در عرصه اقتصاد اعمال کرده‌اند، به توسعه اقتصادی مورد انتظار دست یافته‌اند.

دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی و مطالبات شهروندان ایرانی است؛ زیرا در صورت تحقق این امر، در عمل ضمن آنکه ضعف‌های درونی در حوزه اقتصاد از میان خواهد رفت، تهدیدهای اقتصادی نیز تحت الشعاع قرار خواهد گرفت.

واقعیت‌های تلخ اقتصادی در ایران حکایت از وجود نقاط ضعف متعدد در داخل و تهدیدها و فشارهای اقتصادی سازمان یافته از خارج دارد. برای ترمیم و بازسازی نابسامانی‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف تولید در بخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و سایر بخش‌های هم‌طراز کشور نیاز به منابع مالی فراوان دارد.

از آنجایی که منابع مالی و سرمایه‌های داخلی ایران برای دستیابی به توسعه در دنیای وابستگی اقتصادی متقابل کشورها محدود و ناکافی است، یکی از راه‌های برون‌رفت از وضعیت نامطلوب اقتصادی، جذب سرمایه‌های خارجی است. استفاده از منابع مالی خارجی به دو روش زیر امکان‌پذیر است:

روش نخست: روش قرضی و استقراضی است که در بازپرداخت آن احتمال بروز مشکلات، دور از انتظار نیست. به طوری که در سال ۱۳۷۳ نظام جمهوری اسلامی ایران در بازپرداخت‌ها که بخش

عمده آن متأثر از کاهش قیمت نفت بود و در نتیجه آن کاهش درآمدهای ارزی کشور را در پی داشت، دچار مشکلات اساسی شد.

روش دوم: جلب و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که این روش برخلاف روش اول، هیچ‌گونه تعهدی برای بازپرداخت برای دولت نخواهد آورد و صرفاً بازدهی اقتصادی طرح سرمایه‌گذاری، ناشی از انتخاب عقلانی طرح و توان مدیریت است که می‌تواند برای شرکا سودآفرین باشد. به نظر می‌رسد در صورت جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سه هدف اساسی دیگر نیز محقق خواهد شد:

۱. ارتقاء کیفیت کالاهای تولیدی از طریق انتقال تکنولوژی شریک خارجی؛

۲. ارتقاء توان مدیریت؛

۳. دستیابی به سهمی از بازار. (نواب، ۱۳۷۹: ۲۰۹ - ۲۰۶)

پس از اجرای چهار برنامه پنج‌ساله توسعه از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران از یک سو و رفع موانع جذب سرمایه‌های خارجی از طریق اصلاح برخی قوانین از دیگر سو، در سال‌های نخست دهه چهارم انقلاب، بستر لازم برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران فراهم آمده است. برخورداری ایران از منابع غنی نفت و گاز که ۱۰ درصد ذخایر جهانی نفت و ۱۶ درصد منابع گازی جهان را در اختیار دارد و نیز داشتن توجیه اقتصادی طرح‌ها برای سرمایه‌گذاران خارجی و دولت و ملت ایران، از جمله پتانسیل‌های مورد نیاز برای ایجاد و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است که به عنوان یک فرصت اقتصادی مغتنم در خور توجه ویژه و درک ضرورت آن است. (حسینی، بی‌تا)

شایسته دقت است، به رغم مفید بودن سرمایه‌گذاری خارجی، در صورتی که با ظرافت و دقت قراردادهای تنظیمی با سرمایه‌گذاران منعقد نشود، خود سرمایه‌گذاری خارجی آثار منفی زیان‌باری را بر فرهنگ، سیاست و امنیت کشور عارض خواهد ساخت. (ذبیحی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۱۲/۳)

۲. بهره‌برداری از اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای

امروزه پیچیدگی نیازمندی اقتصادی کشورها به یکدیگر شرایطی فراهم آورده که حاکمان هیچ‌کس نمی‌توانند ادعا کنند که بدون داشتن روابط با دیگر بازیگران بین‌المللی، قادرند اقتصاد داخلی خود را رونق بخشند.

با این رویکرد، کشورهای واقع در نواحی و مناطق مختلف جهان با راه‌اندازی سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی، درصد تأمین نیازمندی‌های متقابل خود، از طریق همکاری با یکدیگر و همگرایی با هم بر آمده‌اند. سازمان همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای اکو که با شرکت کشورهای

ایران، ترکیه، پاکستان، افغانستان، جمهوری‌های آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان تشکیل یافته، فرصت اقتصادی مناسبی را در اختیار دولت‌مردان جمهوری اسلامی قرار می‌دهد تا در صورت درک موقعیت پیش آمده، به رونق اقتصادی کشور کمک کند.

سازمان اکو، با دارا بودن توانایی‌ها و پتانسیل‌های عظیم خود، می‌تواند قدرت بزرگی را در منطقه پدید آورد. موقعیت‌های ویژه جغرافیایی و استراتژیک، نقطه اتصال سه قاره جهان (آسیا، اروپا و آفریقا)، همجواری با پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان (هند و چین)، در اختیار داشتن غنی‌ترین منابع طبیعی و خدادادی، توان تولید محصولات حساس و استراتژیک در زمینه کشاورزی، جمعیت ۳۴۰ میلیون نفری، وسعت هفت میلیون کیلومتری و مهم‌تر از همه، پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی به خصوص دین اسلام، از جمله قوی‌ترین پتانسیل‌ها و قابلیت‌های سازمان اکو است که در صورت درک هر یک از این قابلیت‌ها از سوی اعضا، می‌تواند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای را در پویایی اقتصادی اعضا بازی کند.

با وجود عمر کوتاه اکو در بین سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای همانند «آسه‌آن» قدرت اقتصادی و وحدت سیاسی کشورهای عضو می‌تواند توان اجرایی و عملیاتی آن را افزایش دهد. اکو می‌تواند فرصت‌های اقتصادی زیر را در اختیار دست‌اندرکاران اقتصادی نظام جمهوری اسلامی قرار دهد:

۱. بهره‌گیری از نهادهای اقتصادی مشترک همانند بانک، بیمه، کشتیرانی و هواپیمایی؛

۲. امکان اجرای پروژه‌های مشترک صنعتی، کشاورزی و تحقیقاتی؛

۳. گسترش مبادلات بازرگانی از طریق تعیین سقف تعرفه‌ای آن؛

۴. سرمایه‌گذاری‌های مشترک اقتصادی در زمینه‌های گوناگون؛

۵. ورود به بازارهای بیش از ۳۰۰ میلیون نفری کشورهای عضو و فروش محصولات و کالاها.

(روزنامه جهان اقتصاد، ۱۳۷۹/۷/۶)

با توجه به فرایند سریع جهانی شدن، اقتصادهای کوچک و آسیب‌پذیر به سختی می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های جهانی شرکت کنند، بنابراین ایران و کشورهای اکو بایستی با تقویت اقتصاد متکی به خود، تأثیرات سوء جهانی شدن اقتصاد را تحت‌الشعاع قرار دهند.

میزان تجارت سالانه کشورهای عضو اکو حدود ۶۴ میلیارد دلار است که تنها ۶ درصد آن در داخل اکو و بقیه با کشورهای خارج اکو انجام می‌شود. این موضوع اولاً حجم ناچیز تجارت اکو را در مقایسه با ۱۲۰۰ میلیارد دلار تجارت جهان نشان می‌دهد. ثانیاً از این رقم ناچیز سهم بسیار پایین‌تری در اکو مبادله می‌شود. اگر اعضای اکو حذف موانع غیر تعرفه‌ای و کاهش موانع تعرفه‌ای، اتصال شبکه‌های حمل و نقل و ارتباطات، فعال کردن بانک و بیمه اکو و در مجموع، آزادسازی تجاری بین

خود را تحت ضوابطی جدی بگیرند، این سهم هم در کشورهای عضو و هم در سطح جهان افزایش خواهد یافت. (روزنامه رسالت، ۱۳۷۹/۳/۲۳)

تهدیدات اقتصادی

با وجود آنکه فرصت‌های مغتنمی از منظر اقتصادی در عرصه خارجی فراروی نظام جمهوری اسلامی قرار دارد، تهدیدات متعددی نیز اقتصاد ایران را تهدید می‌کند که اهم آنها در ادامه می‌آید:

۱. جهانی شدن اقتصاد

به نظر می‌رسد جهانی شدن اقتصاد پیش از آنکه برای ایران فرصت ایجاد کند، تهدید آفرین باشد و از نظر اقتصادی، ایران را منزوی و تجارت خارجی آن را با رکود جدی مواجه و حتی مختل سازد. با آغاز جهانی شدن در ابتدای دهه نود میلادی (هفتاد شمسی) به مرور رشد تجارت ایران متوقف و رو به کاهش نهاد. به نحوی که بررسی‌ها نشان می‌دهد با گسترش عملی تفکر جهانی شدن، بر دامنه کاهش تجارت ایران افزوده می‌شود. در سال ۱۳۷۰ صادرات ایران از نظر ریالی و حجمی گسترش و واردات ایران تنزل داشت، اما در فاصله سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ صادرات کشور با کاهش چشمگیری به ۲/۵ درصد رسید، این رقم بیانگر آن است که حتی صادرات غیر نفتی ایران از بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز پایین‌تر بوده است. (وثوقی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۲/۱۳)

گرچه برخی عوامل داخلی اقتصادی نظیر ضعف بنیه تولیدی، تغییر قوانین اقتصادی و بوروکراسی و تشریفات اداری دست و پاگیر تا حدود کمی در به وجود آمدن این روند تأثیرگذار بوده، اما سهم عوامل خارجی نظیر ایجاد موانع غیر تعرفه‌ای، اخذ مالیات‌های اقتصادی، مخالفت مستمر با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، به مراتب از سهم عوامل داخلی بالاتر و حتی غیر قابل مقایسه است. (جعفری، ۱۳۸۰: ۱۵۷ - ۱۳۹)

از آنجا که جهانی‌سازی اقتصاد به عنوان یک واقعیت تلخ در آینده‌ای نه چندان دور جنبه عملی به خود خواهد گرفت و وقوع چنین امری اثرات مخرب و زیان‌باری بر اقتصاد داخلی و تجارت خارجی ایران بر جای خواهد گذاشت، اقتصاد جهانی شده، یک تهدید جدی اقتصادی برای نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. مهم‌ترین اثر منفی جهانی شدن اقتصاد، ناتوانی قدرت رقابت تولیدی و تجارت خارجی ایران با بازارهای رقابتی است که حاکمیت انحصاری کشورهای پیشرفته صنعتی و شرکت‌های چند ملیتی بر آنها سایه افکنده است. (خور، ۱۳۸۳: ۱۲۵؛ سلیمی، ۱۳۸۴: ۵۲، ۸۰؛ قوام، ۱۳۸۳: ۲۶۹)

۲. بی‌میلی سرمایه‌گذاران خارجی

هرچند کم و منفی بودن حجم و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در طی دهه ۱۳۷۰ را می‌توان با موانع و محدودیت‌های اندکی که در داخل ایران برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی وجود داشت مرتبط دانست، اما اصلی‌ترین و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در این ارتباط، تحریم‌های اقتصادی چند جانبه ایالات متحده بوده است. صدور دو دستورالعمل اجرایی تحریمی از سوی کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا و نیز تصویب قانون تحریمی داماتو در کنگره این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران که تجارت شرکت‌های آمریکایی با ایران و نیز سرمایه‌گذاری بیش از چهل میلیون دلار در صنعت نفت و گاز ایران را مشمول مجازات‌های واشنگتن می‌کرد، بسیار نقش تعیین‌کننده‌ای در بازداشتن سرمایه‌گذاران خارجی سایر کشورها از سرمایه‌گذاری در امور اقتصادی ایفا می‌کرد. (سلیمی بنی، ۱۳۷۶: ۳۵۰-۳۴۲)

این ممانعت‌ها از آن روی رخ داده که در صورت سرمایه‌گذاری صحیح خارجی در ایران اثرات منفی استقراض خارجی بر طرف می‌شد و در این صورت سرمایه‌گذاری خارجی خود به گسترش اشتغال، تربیت نیروی انسانی ماهر، افزایش کارآیی تولید، رشد بهره‌بری و سرانجام تقویت بنیه و زیرساخت‌های بنیه اقتصادی ایران منجر می‌گردید. (همان)

بنابراین، بی‌رغبتی برای سرمایه‌گذاری خارجی بر اثر فشارهای تحریمی آمریکا، یک تهدید اقتصادی برای نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

۳. محدودسازی صدور فناوری پیشرفته

کشورهای پیشرفته صنعتی غرب، اقتصادی بر اساس کاپیتالیسم، آموزه‌های لیبرالیستی لیبرالیسم و مدل لیبرال دموکراسی پی‌ریزی کرده‌اند. برون‌داد رفتار خارجی این نظام، تلاش در جهت حفظ برتری سیاسی و اقتصاد خود بر ملت‌ها و دولت‌هایی است که مکاتب و ساختار اقتصادی سیاسی آنها با دولت‌های غربی متفاوت باشد.

بنابراین، دولت‌های غربی به ویژه آمریکا، عقب‌نگه داشتن کشورهای در حال توسعه به خصوص ایران را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این نگرش برتری‌طلبانه و رفتار مبتنی بر آن، یکی از تهدیدهای بالفعل و تأثیرگذار بر اقتصاد سیاسی ایران می‌باشد. برجسته‌ترین جنبه‌های این تهدید تا کنون در موارد زیر جنبه عملی یافته است:

۱. غوغاسالاری تبلیغاتی و بهره‌گیری سیاسی برای محدودسازی استمرار فعالیت‌های هسته‌ای ایران؛
۲. بازداشتن سایر بازیگران بین‌المللی از همکاری و مشارکت در طرح‌های زیربنایی اقتصادی

نظیر نیروگاه اتمی بوشهر و صنعت نفت و گاز ایران؛

۳. تحریم اقتصادی و تجاری؛ (ماهنامه وکالت، شماره ۴؛ روزنامه خراسان ۱۳۷۹/۱۲/۲۷)

۴. سنگ‌اندازی در راه بازاریابی، توزیع و فروش محصولات ایرانی در بازارهای منطقه و جهان؛

۵. فشار بر نهادهای مالی بین‌المللی همانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به منظور

جلوگیری از پرداخت تسهیلات به ایران؛

۶. اعمال فشار به همسایگان ایران برای بی‌اثرسازی نقش‌آفرینی ایران در انتقال منابع انرژی

گاز و نفت آسیای میانه به بازارهای جهانی.

۴. اختلال در صنعت توریسم

ایران یکی از ده کشور برتر جهان از نظر برخورداری از جاذبه‌های گردشگری است. با وجود این، از لحاظ جذب گردشگر در رتبه ۷۰ در میان کشورهای جهان قرار دارد و از نظر درآمد صنعت توریسم و گردشگری، در میان کشورهای جهان مرتبه ۸۹ را کسب کرده است. (همان)

عوامل اصلی تأثیرگذار بر رکود صنعت توریسم کشور را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد:

۱. تبلیغات منفی دامنه‌دار سیاسی از سوی مقامات و رسانه‌های گروهی غرب علیه ایران؛

۲. ارائه تصویری نامطلوب، شرور، شیطانی، ناامن و خشن از ملت و دولت ایران؛

۳. سهل‌انگاری دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های ارتباط جمعی خودی در معرفی جاذبه‌های

گردشگری کشور.

نتیجه

آنچه از برآیند نوشته حاضر با رویکرد وضعیت‌سنجی درحوزه اقتصاد جمهوری اسلامی به دست می‌آید، در یک نگاه تطبیقی و با تأکید بر بررسی مقایسه‌ای، نقاط قوت ایران در عرصه اقتصاد نسبت به قلمروهای سیاسی، فرهنگی اجتماعی و دفاعی امنیتی در سطح نازل‌تر و دامنه ضعیف‌ها و تهدیدات اقتصادی نیز به مراتب گسترده‌تر از حوزه‌های پیش‌گفته است. ناگفته پیداست اگر اقتصاد پایه‌پا و هم طراز و یا بالاتر از سایر قلمروها پیش‌نرود ضربه‌پذیری کشور در همه حوزه‌ها جبران‌ناپذیر خواهد بود.

گرچه اقتصاد ایران پس از انقلاب در ابتدای دهه چهارم، از فرصت‌های قابل بهره‌برداری مناسبی برخوردار است که با هوشمندی مسئولان عالی رتبه نظام، دستگاه‌های پژوهشی و دست‌اندرکاران اقتصادی از طریق طراحی راهبرد ملی اقتصادی و برگزیدن تاکتیک‌های هدفمند و با اجرای

برنامه‌های واقع‌بینانه کوتاه، میان مدت و بلند مدت می‌بایست از دامنه ضعف‌ها کاست، تهدیدات را مهار و با بهره‌برداری از فرصت‌های پیش‌رو، قوت‌های اقتصادی نظام را گسترش و افزایش داد. به طور قطع، باید با پرهیز از نگرش‌های سیاسی خاص بانندی و جناحی آسیب‌رسان به منافع ملی و به دور از بازی‌های بی‌حاصل سیاسی، ضمن رقابتی کردن اقتصاد در عرصه تولیدات داخلی و تعامل مثبت در عرصه اقتصاد، تجارت و روابط بین‌الملل، تن بیمار اقتصاد ایران را با تکیه بر توان داخلی مداوا نمود. برای این منظور، شایسته است نهضتی عظیم با مشارکت همه آحاد ملت ایران اعم از نخبگان و توده مردم برای ترمیم، بازیافت و ارتقاء موقعیت اقتصادی ایران در دهه چهارم انقلاب صورت پذیرد.

منابع و مأخذ

۱. جعفری، اصغر، ۱۳۸۰، «جهانی شدن اقتصاد و جایگاه ایران»، *نشریه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال نهم، شماره ۲۰.
۲. حسینی، ع، ۱۳۷۹، «جنبه‌های حقوقی و اقتصادی تحریم آمریکا علیه ایران»، *ماهنامه وکالت*، آذر، شماره ۴.
۳. حسینی، سیدمهدی، بی‌تا، «فرصت سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد ایران»، *نشریه مناطق آزاد*، شماره ۵۰۱.
۴. *خبرگزاری جمهوری اسلامی*، ۸۱/۱/۲۱.
۵. خور، مارتین، ۱۳۸۳، *جهانی شدن و جنوب، برخی مباحث انتقادی*، ترجمه و تدوین احمد ساعی، تهران، قومس.
۶. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، *مجله سیاست خارجی*، ویژه‌نامه تحریم، سال یازدهم، شماره ۱.
۷. ذبیحی، بیژن، «بررسی آثار سوء سرمایه‌گذاری خارجی در بعد فرهنگی، سیاسی و امنیتی»، *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۱۳۸۱/۱۲/۳.
۸. ربیعی، علی، ۱۳۸۳، *زنده باد فساد، جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۵.
۹. رزاقی، ابراهیم، ۱۳۷۵، *گزیده اقتصاد ایران*، تهران، امیرکبیر.

۱۰. رضویان، محمدتقی، ۱۳۸۳، «عملکرد بخش‌های مختلف اقتصاد ایران در تولید اشتغال»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۲.
۱۱. رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۰، توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۵.
۱۲. روزنامه آبادی، ۱۳۸۱/۵/۲۲.
۱۳. روزنامه ابرار اقتصادی، ۱۳۸۱/۷/۲۷.
۱۴. روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۳/۲۶.
۱۵. روزنامه بهار، ۱۳۷۹/۵/۸.
۱۶. روزنامه توسعه، ۱۳۸۱/۱۰/۳.
۱۷. روزنامه جهان اقتصاد، ۱۳۷۹/۷/۶.
۱۸. روزنامه خراسان، ۱۳۷۹/۱۲/۲۷.
۱۹. روزنامه رسالت، ۱۳۷۹/۳/۲۳ و ۱۳۷۹/۸/۲۱.
۲۰. روزنامه فرهنگ آشتی، ۱۳۸۲/۳/۲۷.
۲۱. روزنامه کار و کارگر، ۱۳۸۱/۷/۱۴.
۲۲. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۱۹.
۲۳. ساعی، احمد، ۱۳۸۴، مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم، تهران، سمت، چ ۷.
۲۴. سلیمی بنی، صادق، ۱۳۸۵، ارمغان دمکراسی؛ جهت‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۸۲، قم، دفتر نشر معارف، چ ۴.
۲۵. سلیمی، حسین، ۱۳۸۴، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران، سمت.
۲۶. قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۳، جهانی شدن و جهان سوم؛ روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۷. گلدتورپ، جی.ای، ۱۳۷۳، جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم؛ نابرابری و توسعه، ترجمه جواد طهوریان، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چ ۲.
۲۸. ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی اقتصاد ایران، شماره ۴۸.
۲۹. ماهنامه گزارش، دی و بهمن ۱۳۷۹، شماره ۱۱۹.
۳۰. متانی، محمدعلی، ۱۳۸۶، مجموعه قوانین اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، جنگل، چ ۲.

وضعیت‌سنجی اقتصادی نظام جمهوری اسلامی در آغاز دهه چهارم انقلاب □ ۱۹۳

۳۱. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۷۲، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۲. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۹۰، *گزیده مجموعه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۳۳. میرمعزی، حسین، ۱۳۸۹، *نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۴. نصری، محسن، ۱۳۸۸، *ایران؛ دیروز، امروز، فردا تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، قم، دفتر نشر معارف.
۳۵. نواب، مهدی، ۱۳۷۹، «تبيين ضرورت و جایگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور»، *نشریه علمی پژوهشی نامه مفید*، شماره ۲۲.
۳۶. *هفته‌نامه ترجمان اقتصادی*، سال سوم، شماره ۳۰.
۳۷. وثوقی، مهدی، ۱۳۷۹، «بررسی بحران جهانی‌سازی اقتصاد، سیاست و جامعه»، *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۱۳۷۹/۲/۱۳.
۳۸. وزارت نفت جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۹/۲۴، *هفته‌نامه مشعل*، شماره ۷۰.

